



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

تأثیر ادله احسان زوجه در باب زنا از منظر فقه امامیه

محمدامین شهبازی^۱، سید محمد حسینی^۲، محمود انصاریان فر^۳

۱- کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام
۲- سطح ۳ فقه و حقوق جزا و جرم شناسی از مجتمع فقه و حقوق و قضای اسلامی قم^۱
۳- دانش آموخته سطح ۳ موسسه تخصصی تربیت مدیر و مدرس حوزه علمیه قم

چکیده

این مقاله به بررسی ادله و آثار احسان زوجه از دیدگاه فقه امامیه می‌پردازد. احسان زوجه یکی از مسائل مهم و حساس در فقه اسلامی است که با توجه به مفاهیم دینی و اجتماعی، حقوق و وظایف زن در ازدواج و خانواده را تعیین می‌کند. مقاله ابتدا به بررسی مفهوم احسان در فقه امامیه می‌پردازد. در ادامه، ادله شرعی برای احسان زوجه از منظر فقه امامیه بررسی می‌شود. سپس به بررسی آثار مرتبط با احسان زوجه از جمله حقوق و وظایف زن در صورت وقوع زنا، عواقب قانونی و معنوی زنا برای زوجه و خانواده پرداخته می‌شود. بر اساس ادله و آثار مطرح شده، لازم است که جوامع از طریق آموزش‌های اخلاقی و قوانین مبتنی بر ارزش‌های دینی و اجتماعی، برای ترویج احسان زوجه و کاهش پدیده‌های زنا تلاش کنند. همچنین، اهمیت ایجاد برنامه‌های پیشگیری و درمانی برای کاهش فراوانی زنا و ترویج احسان زوجه نیز بیشتر از پیش است.

کلید واژه: احسان، زوجه، ادله، زنا، آثار.

مقدمه

از دیرباز، مسائل مربوط به ازدواج و خانواده در فقه اسلامی به عنوان یکی از مباحث اساسی و حیاتی مورد توجه بوده‌اند. احسان زوجه یکی از اصول مهمی است که در این زمینه مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله، قصد داریم به بررسی مفهوم، آثار و اهمیت احسان زوجه در فقه امامیه بپردازیم.

احسان زوجه به معنای حفظ اعراض زوجه در برابر زنا و روابط غیرمشروع است. این مفهوم در قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) به دلیل اهمیت حفظ نسل و خانواده مورد تأکید قرار گرفته است.

از جمله دلایل و ادله شرعی برای احسان زوجه آیات قرآنی، روایات اهل بیت (علیهم السلام) و نظریه‌های فقهی هستند که توجیه و تأیید این اصل را ارائه می‌دهند. آثار مرتبط با احسان زوجه شامل حقوق و وظایف زن در صورت وقوع زنا، عواقب قانونی و معنوی زنا برای زوجه و خانواده می‌شوند.

احسان زوجه اهمیت بسیاری در حفظ اخلاق و ارزش‌های اجتماعی دارد. بنابراین این اصل نقش مهمی در حفظ استحکام خانواده، حفظ نسل، و پایبندی به اصول دینی را ایفا می‌کند.

^۱ کارشناسی ارشد فلسفه دین دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

^۲ سطح ۳ فقه و حقوق جزا و جرم شناسی از مجتمع فقه و حقوق و قضای اسلامی قم

^۳ دانش آموخته سطح ۳ موسسه تخصصی تربیت مدیر و مدرس حوزه علمیه قم



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

عدم رعایت احسان زوجه می‌تواند منجر به اختلالات جدی در جامعه و خانواده شود، از جمله افزایش زنا، طلاق، و آسیب به سلامت روانی و اجتماعی افراد مختلف.

در نتیجه احسان زوجه به عنوان یکی از اصول اساسی در فقه امامیه، نقش بسیار مهمی در حفظ اخلاق و ارزش‌های اجتماعی ایفا می‌کند. ارتقاء آگاهی و پایبندی به این اصل می‌تواند به استحکام خانواده و جامعه به طور کلی کمک کند.

۱. مفاهیم

۱-۱ مفاهیم لغوی

۱-۱-۱ احسان در لغت

از لحاظ ادبی احسان، مصدر باب افعال می‌باشد؛ در لغت حصن به معنی محکم و مستحکم نگه داشتن، حفظ، در بین دیوار قرار دادن و جای نگهداری استعمال شده است (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ص ۹۱۱۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۶۹)؛ الحصن به معنی قلعه معروف است (همان) زیرا از این قلعه حفاظت می‌کنند و از طرف دیگر دیوار حیاطت می‌کند و از طرف دیگر محل امن و حفاظت می‌باشند.

حصن در موارد مادی و معنوی کاربرد دارد، در نتیجه به زنانی که عفیف می‌باشند یا زنان که ازدواج کردند، محصنه و به مردی که احسان می‌کند، محصن می‌گویند (همان).

مرحوم مصطفوی در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم می‌گوید که اصل واحد در این ماده حفظ به معنا مطلق آن می‌باشد که شامل حفظ ظاهری و حفظ معنوی می‌شود؛ بر این اساس کلمه حصن ریشه اش صفت می‌باشد و بعداً تبدیل به فعل شده است و تغییر معنی داده اما به نظر می‌رسد کلمه حفظ و حصن با همدیگر متفاوت می‌باشد زیرا حفظ یک لغت متعدی می‌باشد که به غیر تعلق می‌گیرد و اثر آن در غیر ظاهر می‌شود اما حصن صفتی می‌باشد که اگر صاحب صفت وجود داشته باشد، خودش را حفظ می‌کند و خوددار می‌باشد نه چیز دیگر را حفظ می‌کند؛ در نتیجه اینکه حصن به معنی حرز و حفظ باشد تقریبی می‌باشد و تحقیقی نیست.

۲-۱ مفاهیم اصطلاحی

۱-۲-۱ احسان در اصطلاح فقه امامیه

اصطلاح "احسان" در فقه به دو معنا استفاده می‌شود: یکی به معنای فراهم بودن شرایط زناشویی با همسر یا کنیز، و دیگری به معنای حفظ پاکدامنی و عفت آمده است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳ق، ۱، ص ۱۱۱).

در باب شهادت و حدود، احسان به معنای فراهم بودن زمینه‌ای مناسب برای زناشویی با همسر یا کنیز مورد بحث قرار می‌گیرد. اما در بحث‌های مربوط به لعان و حدود، احسان به معنای حفظ پاکدامنی و عفت اشاره دارد.

در منابع فقهی، احسان به دو معنی اصلی، یعنی "احسان الرجم" و "احسان القذف" اشاره شده است (همان) و به مرد و زنی که شرایط «احسان» را داشته باشند «مُحَصَّن» و «مُحَصَّنَه» یا «تَّيِّب» و «تَّيِّبَه» می‌گویند (همان، ص ۳۰۷).

در مورد احسان الرجم، این اصطلاح به معنای پاکدامنی زناشویی بین همسران یا کنیزها مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، فردی که با همسر یا کنیزش به عقد دائمی مرتبط باشد و امکان تمتع روز و شب با او داشته باشد، در صورتی که بالغ، عاقل و حریص باشد، به عنوان محصن شناخته می‌شود. احسان الرجم در مورد مردان به نزدیکی بالغ عاقل با همسر دائمی یا کنیز اشاره دارد، که این نزدیکی در هر صبح و شام اتفاق می‌افتد (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۲۶۹؛ خوئی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۱).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

اما در مورد زنان، احسان به معنای وطنی زن آزاد بالغ عاقل توسط همسر دائمی به مقداری که موجب غسل شود است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۹، ص ۸۰).

از دیگر معنی‌های احسان، به مفهوم پاکدامنی یا پاکیزگی فرد اشاره دارد. احسان در این معنی از اجتماع عقل، بلوغ، حریت، اسلام و عفت در یک فرد حاصل می‌شود؛ احسان به این معنی از اصطلاحات فقهاء است و در نصوص شرعی دیده نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۶۱).

به طور کلی، احسان در فقه به دو معنی اصلی به کار می‌رود و هر کدام از این معانی در زمینه‌های مختلفی از حیات اجتماعی و شخصیتی فرد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱-۲-۲ اصطلاح احسان در قرآن و روایات

در قرآن کریم و روایات، واژه «احسان» و مشتقات آن درباره هر یک از زن و مرد به کار رفته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۸) و در معانی مختلفی، از جمله همسر داشتن (نساء، ۲۴)، پاکدامنی در مقابل برده و کنیز (تحریم، ۱۲)، آزاد بودن (مائده، ۵)، مسلمان بودن (نساء، ۲۵)، قلعه (الحشر، ۱۴)، محکم (الحشر، ۲)، عقیف بودن و متزوجه به کار رفته است.

مقصود در اینجا این است که اگر زن یا مرد دارای همسر باشند و ازدواج کرده باشند، همسر به منزله‌ی حصن است که زن و مرد را از ارتکاب معاصی حفظ می‌کند، و اگر با داشتن حصن و همسر، مرتکب عمل خلاف عفت با غیر همسر بشوند، عقاب آنان دو چندان می‌شود و مستحق رجم می‌شوند.

۲. احسان زوجه در باب زنا از منظر فقه امامیه

در فقه اسلامی، در موضعی که به زنا و لعان مرتبط هستند، مفهوم "احسان زوجه" بحث شده است. این مفهوم در هر مورد، علاوه بر شرایط عمومی تعیین کننده تکلیف، شرایط خاص و متمایزی دارد.

۱-۲-۱ احسان زوجه و شرایط آن در باب زنا از منظر فقه امامیه

۱-۲-۱-۱ احسان زوجه

با توجه به فقه اسلامی، هر فرد بالغ، آزاد (به معنای غیربرده)، و عاقل که با همسرش رابطه جنسی داشته باشد و همسرش در دسترس او باشد، دارای "احسان" محسوب می‌شود. اگر چنین فردی (زن یا مرد) با فرد دیگری زنا کند، به او به عنوان زنا‌ی محصنه اشاره می‌شود. براساس منابع فقهی، احسان باعث تشدید در مجازات زنا می‌شود و مجازات آن به عنوان زنا‌ی محصنه سنگسار می‌باشد (موسوی اردبیلی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۱۹۸).

۱-۲-۲ شرایط خاص تحقق احسان زوجه

در فقه اسلامی، علاوه بر شرایط عام تکلیف، تمام شرایط احسان در زوج، در احسان در زوجه شرط می‌باشد الا اینکه مراد از تمکن زوجه از زوج، اراده زوج بر نکاح می‌باشد؛ (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۲۷۶؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۹۰)؛ در ذیل به این شرایط پرداخته می‌شود:

۱-۲-۱-۲ زوجیت دائمی

در اصطلاحات فقهی، شرط است که رابطه جنسی در ازدواج دائمی رخ دهد، اما اگر این امر در ازدواج موقت، زنا، جماع از روی شبهه و عقد دائمی که کشف شود باطل بوده است، اتفاق بیفتد، احسان تحقق پیدا نمی‌کند (همان، ص ۴۸۹)؛ پس زن در صورتی محصنه می‌شود که شوهر دائم داشت باشد و دخول هم صورت گرفته باشد.

بنابراین اولاً باید زوج و همسر داشته باشد، در نتیجه دختر و بیوه، اگر زنا کنند، حد زنا دارند که جلد می‌باشد؛ ثانیاً زن باید همسرش دائمی باشد؛ پس اولاً همسر داشته باشد و ثانیاً همسر هم باید همسر دائم باشد، علاوه بر این دو، قبلاً این زن مورد



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

بهره برداری قرار بگیرد، و الا اگر شوهر دارد و هنوز عروسی نکرده و دخول بر او نشده، اگر کار زشتی انجام داد، مشمول زنانی محصنه نمی شود بلکه موطئه باشد، در مرد نیز همین شرط وجود دارد.

۲-۱-۲-۲ امکان تمتع

امکان تمتع با شروطی محقق می شود :

اگر زوجان برای برقراری ارتباط جنسی با یکدیگر آزاد باشند و هر زمانی که بخواهند می توانند با هم تمتع شوند، در این صورت، اگر همسری به هر دلیلی مانع از برقراری این ارتباط با همسر خود شود - مانند مسافرت، بستری بودن، مریضی یا هر عذر موجه دیگری - احسان محقق نمی شود (سبحانی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۱؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۵۸).
جماع با همسر از راه قبیل صورت گرفته باشد به این معنی که قبل از زنا کردن امکان ارتباط با همسر به شکل وطی در قبل را داشته باشد (همان، ص ۴۵۷) اما در مورد وطی در دبر اختلاف می باشد، عده از فقهاء وطی در دبر را ملاک می دانند ولی اکثر فقها می گویند که دخول در قبل ملاک می باشد؛ امام خمینی معتقدند که احتیاط واجب این می باشد که لازم نیست (همان). بنابراین اگر شخصی مجرد می باشد یا اینکه ازدواج کرده است اما ارتباط جنسی ندارد، محصن نمی باشد زیرا ملاک دخول می باشد اما نیاز به انزال نمی باشد بلکه معیار التقاء ختائین می باشد که ملاک زنا هست (همان).

۲-۱-۲-۳ وطی قبل از زنا

یعنی قبل از آنکه زنا بکند، نزدیکی کرده باشد که در حقیقت در پیشگاه خدا عذری نداشته باشد.

بنابراین، مجرد داشتن زوج کافی نیست بلکه علاوه بر داشتن زوج، از او بهره گیری هم کرده باشد.

۲-۱-۲-۴ تمکن زوجه از وطی هرگاه زوج اراده کند

شرطیت تمکن، یعنی هر وقت زوج خواست مانعی نباشد؛ بنابراین اولاً زوج غائب نباشد، ثانیاً به گونه ای هم نباشد که دسترسی به آن نداشته باشد، یعنی ممکن است غائب نباشد و در عین حال دسترسی هم برایش ممکن نباشد، مثل اینکه عروسی نکرده و هنوز دختر در خانه پدرش به سر می برد و رسم هم نیست که در خانه پدر آن کارها انجام بگیرد.

قاعده کلی در مورد تمکن از وطی این می باشد که بگویند حلال در اختیارش است، یعنی همین که عرفاً بگویند که حلال در دسترسش است کافی در احسان است، در نتیجه میزان فقط دسترس و عدم دسترس است خواه غائب یا غیر غائب باشد.

بنابراین اگر همسرش مریض است، نمی توانیم بگوییم محصن نیست، یعنی نمی توانیم قیاس کنیم بله! اگر مرضش ممتد است، باز یک راهی دارد که بگوییم محصن نیست.

۲-۱-۲-۵ حریت

زن اگر امه باشد و شوهر دار، چنانچه مرتکب زنا بشود، حد زنا محصنه بر او جاری نمی شود؛ بنابراین زمانی کسی را محصنه می گویند که این شخص در حین زنا آزاد باشد تا احسان در مورد آن تحقق پیدا بکند.

بنابراین اگر کنیزی ازدواج کرد و بعد از ازدواج متاسفانه زنا کرد، حکمش رجم و سنگسار نیست، در نتیجه کنیز حکم زنان حرائر و شوهردار را ندارند بلکه حد مجرد بر او جاری می شود، منتهی حد مجرد صد تازیانه است، پس حد کنیز نصف حد مجرد می شود که پنجاه تازیانه می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

۳. ادله احسان زوجه در باب زنا از منظر فقه امامیه

۱-۳ ادله احسان زوجه

بر اساس منابع فقهی، «احسان» باعث تشدید در مجازات زنا می‌شود و مجازات «زناى محصنه» سنگسار است (موسوی اردبیلی، ۱۴۳۷ق، ج ۱، ص ۱۹۸)؛ در نتیجه اگر شخصی مجرد می‌باشد یا اینکه ازدواج کرده است اما ارتباط جنسی ندارد، محصن نمی‌باشد زیرا ملاک دخول می‌باشد.

روایاتی به شکل کلی و کلان، ضابطه احسان را بیان می‌کنند مانند صحیحہ اسماعیل بن جبار و مرسله هشام و صحیحہ حریر می‌باشند که دلالت دارد بر اینکه احسان موقعی متحقق می‌شود که شخص امکان نزدیکی به شکلی که از نظر جنسی اقناع و اطفاء بشود و لذت جنسی را ببرد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۸؛ ج ۱۸، ص ۳۵۳).

۲-۳ ادله مجازات زوجه محصنه

اگر زانی یا زانیه محصن زنا کند و هر دو جوان باشند، باید سنگسار شوند، البته بعضی گفته‌اند اگر جوان یا پیر باشد، هم تازیانه می‌خورد و هم سنگسار می‌شود و لکن مرحوم امام می‌فرمایند در همه موارد چه جوان باشد و چه پیر، فقط رجم می‌شود.

به طور کلی، اگر زوج زناکار پیر باشند، ابتدا به شلاق محکوم می‌شوند و سپس به رجم؛ اما اگر زوج زناکار جوان باشند، دو دیدگاه وجود دارد: یکی این که فقط به رجم محکوم شوند و دیگر این که مجازات آن‌ها جمعاً از شلاق و رجم تشکیل شود. (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۲؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۷۵؛ حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).

اجماع فقهاء و مسلمین وجود دارد که فرد باید سنگسار شود و روایات صحیحہ هم بر این حکم وارد شده است اما رجم و سنگسار، منشاء قرآنی ندارد چون مجازات رجم در قرآن ذکر نشده و این موضوع در روایات اهل سنت و شیعه به طور مختلف بیان شده است. برخی روایات اشاره دارند که عمر خلیفه دوم اعتقاد داشته که آیه‌ای در قرآن وجود داشته که درباره مجازات رجم صحبت می‌کند البته در چند روایت شیعه نیز این مطلب ذکر شده اما برخی از علما و محققان این روایات را به دلیل سند ضعیف و ناقصشان رد کرده‌اند؛ اما از طرق امامیه گفته شده که دو روایت صحیحہ عبد الله بن سنان و صحیحہ سلیمان بن خالد وجود دارد که دلالت دارند بر اینکه رجم در قرآن وجود دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۲ و ۶۷) اما فقهاء به این دو روایت، چند جواب داده‌اند:

جواب اول: هیچ یک از فقهاء به مضمون این دو روایت عمل نکرده‌اند و قبول ندارند که در قرآن رجم بوده است.

جواب دوم: این دو روایت حمل بر تقیه می‌شود.

پس رجم که یکی از موارد حدود است، منشاء قرآنی ندارد اما قطعاً رجم از حدود اسلامی می‌باشد زیرا اولاً: اتفاق مسلمین بر این است که رجم از حدود می‌باشد و شاید عده اندکی از خوارج با آن مخالفت کرده‌اند و ثانیاً: روایات مانند عاصم بن حمید، موثقه سماعه دلالت بر این دارد که رجم از حدود می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۱ و ۶۲)؛ بنابراین از مجموع این روایات و ادله استفاده می‌شود که رجم، حکم اسلامی می‌باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

حکم رجم که به عنوان یک نوع قتل در نظام قانونی اسلامی شناخته می‌شود، اگر همراه با این حکم، یعنی رجم، جلد هم اعمال شود، به عنوان یک حکم اضافه‌ای محسوب می‌شود که نیازمند دلیل و شواهد قوی است. در اینکه اگر زانیه محصنه، زنا کند، آیا حکم او فقط رجم است یا علاوه بر رجم، تازیانه، دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول: محصن فقط سنگسار می‌شود و تازیانه بر او زده نمی‌شود.

نظریه دوم: محصن هم سنگسار می‌شود و هم تازیانه بر او زده می‌شود (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۴۲؛ نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۳۲۰).

با بررسی روایات، و جمع میان آنها باید گفت این فرد فقط رجم می‌شود و تازینه نمی‌خورد. در این مورد، چهار طائفه از روایات را می‌توان مورد بررسی قرار داد:

طائفه اول: روایاتی مانند صحیح محمد بن مسلم، صحیح زراره و موثق فضیل که دلالت دارد بر اینکه حکم محصن، رجم و تازیانه است بدون اینکه بین شیخ و شیخه و بین شاب و شابه تفصیل بدهد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۴ و ۶۵).

نکته: عناوینی که در روایات وجود دارد، مختلف است. در بعضی از روایات حکم محصن و غیر محصن اینگونه بیان شده است. در بعضی از روایات نیز از واژه شاب (جوان) استفاده شده و یا می‌گویند محصن که انصراف به شاب دارد و در بعضی دیگر از روایات می‌گوید اگر شیخ محصن یا شیخه محصنه زنا کنند، در تمامی موارد حکم آن همان است که بیان شد.

طائفه دوم: روایاتی مانند موثقه ابی العباس، موثقه سماعه، صحیح عاصم حکم محصن و محصنه که دلالت دارد بر اینکه فقط رجم است و تازیانه بر او زده نمی‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۱-۶۳).

دلالت این روایت بر چند چیز واضح است:

اولا: حکم در مسئله فقط رجم است و اطلاق صحیح محمد بن مسلم و زراره را تقیید می‌زند.

ثانیا: مراد از محصن و محصنه، فقط شاب است و شامل شیخ نمی‌شود. چون طائفه دیگری از روایات وجود دارد که می‌گوید شیخ و شیخه هم سنگسار می‌شود و هم تازیانه می‌خورد.

پس روایاتی که محصن و محصنه را می‌گویند، فقط شامل شاب می‌شود.

ثالثا: روایات مانند خبر عبد الرحمن، خبر طلحه و صحیح حلبی که دلالت دارند بر اینکه اگر فرد زانی محصن، شیخ و شیخه باشد هم تازینه می‌خورد و هم سنگسار می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۶۴ و ۶۵)؛ این روایات، اطلاق هر دو طائفه از روایات را که محصن و محصنه داشت، تقیید می‌کند.

ابراهیم بن صالح و عبدالله بن طلحه در روایت دوم و حسن بن حسین لؤلؤی در روایت اول توثیق ندارد، در نتیجه دو روایت ضعف سندی دارند.

دلالت این روایات بر حکم بالا، واضح است و روایات مطلقه که می‌گویند حکم محصن رجم است، با این روایات تقیید می‌خورد. بنابراین این روایات باید گفت نسبت به شیخ و شیخه، دو حد تازیانه و رجم جاری می‌گردد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

بنابراین همانگونه که مرحوم امام در تحریر فرموده اند، اگر زانی محصن، شاب باشد، فقط رجم می‌شود و اگر شیخ یا شیخه باشد، علاوه بر رجم، تازیانه هم می‌خورد و دلیل این مطلب، جمع بین روایات است.

۳-۳ / ادله شرایط خاص احسان زوجه

در فقه اسلامی، علاوه بر شرایط عام تکلیف، تمام شرایط احسان در زوج، در احسان در زوجه شرط می‌باشد الا اینکه مراد از تمکن زوجه از زوج، اراده زوج بر نکاح می‌باشد (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۲۷۶؛ خمینی، ۱۳۹۲ ش، ج ۲، ص ۴۹۰)؛ در ذیل به ادله این شرایط خاص پرداخته می‌شود:

الف: زوجیت دائمی

اگر جماع در چارچوب عقد دائم صورت نگیرد، یعنی اگر از طریق ازدواج موقت، زنا، یا جماع به دلیل شبهه انجام شود و عقد دائمی نیز بعداً باطل اعلام شود، احسان به دست نمی‌آید.

دلیل بر ازدواج دائمی در فقه امامیه روایاتی مانند معتبره اسحاق بن عمار، صحیحہ اسماعیل بن جابر، روایت ابی بصیر و صحیحہ محمد بن مسلم می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۸، ص ۶۸).

معتبره اسحاق بن عمار دلالت دارد بر اینکه زن در صورتی محصنه می‌شود که شوهر دائم داشته باشد؛ بنابراین زن باید زوج و همسر داشته باشد، در نتیجه دختر و بیوه، اگر زنا کنند، حد زنا دارند که جلد می‌باشد.

طبق صحیحہ محمد بن مسلم، همان گونه که مرد باید دارای همسر باشد، زن هم باید دارای شوهر باشد، تا مجازات زنا را تشدید کند.

معتبره اسحاق بن عمار دلالت دارد بر اینکه برای تحقق احسان در مرد، باید همسر دائم داشته باشد اما در مورد زن حدیثی دلالت بر ازدواج دائمی نداریم ولی در مورد زن می‌توان از حدیث اسحاق بن عمار (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳)، الغاء خصوصیت کرد؛ بنابراین حدیث اسحاق بن عمار هم جانب زوج را می‌گیرد و هم جانب زوجة را، در نتیجه در هر دو باید ازدواج دائم باشد.

مرحوم سید مرتضی در کتاب الانتصار که فتاوی اختصاصی امامیه را در آنجا ذکر کرده است در مورد این که احسان به متعه متحقق نمی‌شود می‌گوید علی الاصح؛ علی الاصح نوعی اشعار دارد بر این که مخالف دارد لکن مرحوم صاحب جواهر می‌فرماید که ما مخالفی پیدا نکردیم و افراد دیگری هم گشتن و پیدا نکرده‌اند، در نتیجه از نظر صاحب جواهر این اجماع، صحیح می‌باشد.

علاوه بر اجماع مذکور، نزد فقهاء اتفاقی وجود دارد که با متعه احسان محقق نمی‌شود و چهار دلیل اشاره شده است:

- ۱- اصل برائت : در اینجا شک می‌کنیم که این شخص با متعه محصنه می‌باشد یا نه ؟ می‌گوییم آن شخص محصنه نمی‌باشد زیرا با دلیل قطعی ثابت نشده است
- اما اصل برائت نسبت به تکلیف جریان دارد لکن در اینجا از مواردی می‌باشد که دلیل لفظی داریم، در نتیجه با وجود دلیل لفظی، جای اصل برائت نمی‌باشد.
- ۲- مقتضی قاعده درء، احتیاط می‌باشد
- جای اصل احتیاط در اینجا نمی‌باشد زیرا دلیل لفظی داریم، در نتیجه به احتیاط نمی‌توانیم تمسک بکنیم.
- ۳- کسی که زن صیغه‌ای دارد از نیازهای خودش مستغنی نمی‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

- این دلیل که صیغه موقت می باشد و شخص را مستغنی نمی کند صحیح نمی باشد زیرا گاهی صیغه ۹۹ ساله هست که با دائم فرقی نمی کند لذا به این دلیل نمی توان تمسک کرد که هر متعه موجب احسان می شود.

۴- روایت مانند معتبره اسحاق بن عمار، موثقه اسحاق بن عمار، خبر عمر بن یزید، روایت حفص بختری و عمر بن عبد العزیز که دلالت بر عدم تحقق احسان با متعه دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳).
در روایت موثقه اسحاق بن عمار تعلیلی تعبیر شده است که دلالت دارد بر اینکه متعه ۹۹ ساله داخل در بحث بشود و با همسر دائم فرقی نمی کند و فقط ارث نمی برد.
اما معلوم نیست که در اینجا به معنی علت حکم باشد که حکم دائر مدار آن باشد و شاید حکمت باشد که به شکل غالبی می باشد؛ بنابراین در متعه احتمال اینکه حکمت باشد نه علت هست، در نتیجه احسان تحقق ندارد.

به نظر می رسد تعلیلی که حضرت می آورند اگر متعه ای باشد که دائماً در منزل او باشد، احسان به آن محقق می شود.

بنابراین صرف متعه کافی در تحقق احسان نیست، لذا با وجود صرف متعه اگر زنا صورت گیرد، این عمل هر چند جلد دارد، ولی رجم ندارد چون در موقت، مسئله‌ی «یغدو و یروح» عملی نیست فلذا بر او احسان صدق نمی کند.

ب: امکان تمتع

امکان تمتع با شروطی محقق می شود :

اگر زوجان برای برقراری ارتباط جنسی با یکدیگر آزاد باشند و هر زمانی که بخواهند می توانند با هم متمتع شوند، در این صورت، اگر همسری به هر دلیلی مانع از برقراری این ارتباط با همسر خود شود - مانند مسافرت، بستری بودن، مرضی یا هر عذر موجه دیگری - احسان محقق نمی شود (سبحانی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۱؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۵۸).
در نتیجه زن محصنه که امکان تمتع جنسی دارد ولی مع الوصف اگر سراغ فساد برود، حدش هم رجم است.
کتاب وسائل بابی دارد به عنوان «بَابُ عَدَمِ ثُبُوتِ الْإِحْصَانِ قَبْلَ الدُّخُولِ بِالزَّوْجَةِ وَالْأَمَةِ وَ كَذَا الْعَبْدُ إِذَا أُعْتِقَ وَ تَحْتَهُ حُرَّةٌ حَتَّى يَطَّأَهَا بَعْدَ الْعِتْقِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۸، ص ۷۶) که در این باب ۱۱ حدیث صحیحه رفاعه و صحیحه محمد بن مسلم می باشد که دلالت دارد بر اینکه تمکن شرط می باشد.

در ادله روایی چند تعبیر به کار رفته است:

- ۱- صحیحه اسماعیل بن جبار دلالت دارد بر اینکه ملاک این می باشد که فرجی داشته که «یغدو و یروح علیه» باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳)؛ به نظر می رسد منظور این است که در دسترس باشد نه اینکه هم صبح و شب رابطه برقرار کند گر چه مرحوم شهید ثانی احتمال اینکه هم صبح و شب رابطه برقرار کرده باشد را داده است.
- ۲- موثقه اسحاق بن عمار و صحیحه حریر دلالت دارند بر اینکه ملاک، «عنده ما یعنی» می باشد (همان).
- ۳- مرسله هشام دلالت دارد بر اینکه ملاک عقد دائم عنده می باشد (همان).
- ۴- صحیحه محمد بن مسلم، خبر عمر بن یزید و خبر میثم دلالت دارد بر اینکه ملاک، معیت می باشد (همان؛ ج ۲۸، صص ۶۴-۶۸)؛ لکن واقع این می باشد که ملاک تمکن از فرج می باشد نه اینکه پیش هم باشند؛ در نتیجه این دو



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

- تعبیر یک ارتباطی با هم دارند اما معیت موضوعیت ندارد بلکه معیت شرایط تمکن را دزست می‌کند؛ بنابراین در اختیار بودن ملاک حکم می‌باشد که لازم معیت می‌باشد.
- پس تلازم یک طرفه می‌باشد که به جهت تمکن از فرج معیت لازم می‌باشد نه اینکه دو طرفه باشد که معیت لازم باشد تا شخص تمکن از فرج پیدا بکند؛ در نتیجه موضوع حکم، تمکن من الفرج می‌باشد.
- ۵- روایت ابی عبیده، خبر حارث و مرسله محمد بن خالد برقی دلالت دارد بر اینکه زن باید در همان شهر باشد و اقامت داشته باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳؛ ج ۲۸، ص ۶۴-۶۸)؛ در نتیجه حضور در شهر ملاک است ولی به نظر می‌رسد ضابط همان تمکن از وطنی می‌باشد و شهر خصوصیت ندارد.
- ۶- خبر عمر بن یزید و مرفوعه محمد بن حسین، تنها ملاکی را که ذکر کردند سفر شرعی می‌باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳)؛ هر دو این روایات ضعیف می‌باشند لذا به لحاظ سندی نمی‌شود اعتماد کرد و از لحاظ دلالتی سوال نکرده ملاک احصان چه می‌باشد، در نتیجه دلالت صحیح ندارد.
- با توجه به مجموعه روایات، تمام ملاک، متمکن من الفرج می‌باشد و یک مسئله عرفی است.
- آیه شریفه **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِيَ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً (نور، ۲)**، بر قاعده عام حد جلد دلالت دارد، در نتیجه ادله ای که دلالت دارند محسن رجم می‌شود، استثناء هست؛ بنابراین چیزی که احصان را اثبات می‌کند، نباید شک و شبهه داشته باشد و الا شبهه در مخصص پیش می‌آید و شبهه در مخصص خصوصاً منفصل، موجب شبهه در اصل عام نمی‌شود، در نتیجه در مواردی که شبهه ناک هستند، می‌توانیم به عام تمسک بکنیم.
- ج: وطنی قبل از زنا
- مجرد داشتن زوج کافی نیست بلکه علاوه بر داشتن زوج، از او بهره‌گیری هم کرده باشد که در حقیقت در پیشگاه خدا عذری نداشته باشد.
- پس اولاً باید همسر داشته باشد و ثانیاً همسر هم باید همسر دائم باشد، علاوه بر این دو، قبلاً این زن مورد بهره برداری قرار بگیرد، و الا اگر شوهر دارد و هنوز عروسی نکرده و دخول بر او نشده، اگر کار زشتی انجام داد، مشمول زنا محصنه نمی‌شود.
- دلیل بر اینکه زن باید قبلاً مورد بهره برداری قرار بگیرد، حدیث محمد بن مسلم، معتبره اسحاق بن عمار و صحیحہ اسماعیل بن جبار می‌باشد که دلالت دارد بر اینکه برای تحقق احصان در زن، باید مورد وطنی قرار گرفته باشند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳؛ ج ۲۸، ص ۶۸).
- جماع با همسر از راه قُبُل صورت گرفته باشد به این معنی که قبل از زنا کردن امکان ارتباط با همسر به شکل وطنی در قبل را داشته باشد (خمینی، ۱۳۹۲ش، ص ۴۵۷)، اما در مورد وطنی در دبر اختلاف می‌باشد، عده از فقهاء وطنی در دبر را ملاک می‌دانند ولی اکثر فقهاء می‌گویند که دخول در قبل ملاک می‌باشد؛ امام خمینی معتقدند که احتیاط واجب این می‌باشد که لازم نیست (خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۵۷).
- اگر قائل به این بشویم که وطنی در دبر، فرج می‌باشد و وطنی در دبر را هم شرعاً جائز بدانیم، تمکن از فرج صدق می‌کند اما اگر به هر دلیلی امکان نبود مثل اینکه وطنی در دبر حرام باشد یا همسر راضی نمی‌شود یا غیره می‌گوییم متمکن از دبر نمی‌باشد لذا متمکن از فرج نمی‌باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

صاحب جواهر فرموده است که صریح نهاییه شیخ طوسی و مبسوط شیخ طوسی و سرائر ابن ادريس حلی و الجامع للشرایع یحیی بن سعید حلی و مصباح الشیعه کیدوری و غنیه ابن زهره (که غنیه ادعای اجماع را مطرح می کند) اگر کسی با همسر خودش قبل از زنا نزدیکی کرده باشد، محصن می باشد؛ علاوه بر اجماع ادله دیگری مانند اصل برائت، احتیاط و روایات صحیح دلالت بر اینکه ملاک وطی در قبل می باشد دارد (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۲۷۲).

مرحوم صاحب جواهر به این شرط ایراد وارد کرده و بیان می کند که روایات مربوط به زنا به طور کلی مطرح شده اند و وطی در دبر را نیز در بر می گیرند؛ ایشان تعبیر می کند که محقق حلی در کتاب مختصر النافع، مطلق بیان کرده است اعم از دبر و قبل و بسیاری از علما مانند مقنعه شیخ مفید و انتصار سید مرتضی و خلاف شیخ طوسی و تبیان شیخ طوسی و مجمع البیان طبرسی، مطلق بیان کرده اند ولی صاحب ریاض المسائل می فرماید که این را باید حمل بر غالب بکنید که وطی در قبل می باشد (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۲۷۲).

به نظر می رسد با توجه به لسان روایات که دخول در فرج استفاده می شود به دلیل انصراف، ظهور در قبل می باشد و ادله دیگر مانند اصل و احتیاط، ملاک وطی در قبل می باشد.

منظور از اصل، اصل برائت که در موارد مشکوک، برائت جاری می کنیم یا اخذ به متیقن می باشد که بین تعیین و تخییر، تعیین قدر متیقن می باشد و تخییر را برائت جاری می کنیم یا استصحاب که اصل عدم تحقق احصان می باشد و منظور از اصل احتیاط، این می باشد که در دما باید احتیاط کرد لکن صاحب جواهر فرضی را مطرح می کند که اگر شخصی بگوید سلیقه من این می باشد که وطی در دبر بکنم، اینجا اشکال می شود زیرا فرض این می باشد که این شخص متمکن هست اما خودش نخواست است (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۲۷۲).

د: تمکن زوجه از وطی هرگاه زوج اراده کند

شرطیت تمکن، یعنی هم نزدیکی کرده باشد و هر وقت زوج خواست مانعی نباشد.

بنابراین اولاً زوج غائب نباشد، ثانیاً به گونه ای هم نباشد که دسترسی به آن نداشته باشد، یعنی ممکن است غائب نباشد اما در عین حال دسترسی هم برایش ممکن نباشد، مثل اینکه عروسی نکرده و هنوز دختر در خانه پدرش به سر می برد و رسم هم نیست که در خانه پدر آن کارها انجام بگیرد.

قاعده کلی در مورد تمکن از وطی این می باشد که بگویند حلال در اختیارش است، یعنی همین که عرفاً بگویند که حلال در دسترسش است کافی در احصان است، در نتیجه میزان فقط دسترس و عدم دسترس است خواه غائب یا غیر غائب باشد.

بنابراین اگر همسرش مریض است، نمی توانیم بگوییم محصن نیست، یعنی نمی توانیم قیاس کنیم بله! اگر مرضش ممتد است، باز یک راهی دارد که بگوییم محصن نیست.

دلیل بر شرطیت تمکن در فقه امامیه، ادله روایی مانند صحیح حریز می باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳)؛ با مطالعه روایات، مراد شارع حکیم از تمکن معلوم می شود؛ اهل بیت «ع» مواردی را استثناء کردند که با احصاء این استثنائات و تفکیک بین استثناء و مستثنی منه می توانیم یک قاعده کلی به دست بیاوریم؛ استثنائات عبارتند از:

الف- المغیب و المغیبه: روایت محمد بن مسلم دلالت بر محصنه نبودن، مغیب و مغیبه دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳).



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

ب-المحبوس: روایت ابو عبیده دلالت بر محصنه نبودن، محبوس دارد.

ج-المسافر: روایت حارث دلالت بر محصنه نبودن مسافر دارد.

از این استثنائات قاعده کلی به دست بیاوریم به گونه‌ای عرفا بگویند که حلال در دسترسش است، کافی در احصان می باشد؛ بنابراین میزان فقط دسترس و عدم دسترس است خواه غائب یا غیر غائب باشد.

و: حریت

زن اگر امه باشد و شوهر دار، چنانچه مرتکب زنا بشود، حد زنا محصنه بر او جاری نمی‌شود چون ملک دیگری است، هر چند گناه کرده است، اما اگر بخواهند او را رجم کنند، تصرف در ملک دیگری است، البته او را حد می‌زنند اما نه حد رجم، علاوه براین، ادعاء بلاخلاف، اجماع محصل و منقول و روایت مانند معتبره محمد بن قیس، صحیحه عجللی، صحیحه حلبی، صحیحه ابی بصیر، خبر حسن بن سری هم دلالت بر حد جلد برای امه دارد خواه مقتضای زنایش رجم باشد یا نباشد، حد جلد امه خمسین جلد است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۵۳) زیرا همیشه غلام حدش نصف حد حر است. بنابراین زمانی کسی را محصنه می‌گویند که این شخص در حین زنا آزاد باشد تا احصان در مورد آن تحقق پیدا بکند.

۳-۴ ادله مجازات زنا زوجه محصنه باصبی یا مجنون

مرحوم صاحب جواهر در باب زنا می‌فرماید، نص داریم که اگر صبی با زن بالغ محصن زنا کند، زن رجم نمی‌شود بلکه مجازاتش جلد است (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۳۲۱؛ حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳۱۸؛

خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۶۳).

در این مقام نیز جرم مرأه محصنه بزرگتر است زیرا همسر دارد و محفوظ است و باید بیشتر عقاب شود لکن مع ذلک رجم از او منتفی است و طبعا جلد نیز از او منتفی می‌شود چرا که جلد حدی است که فقط برای زن غیر محصنه قرار داده شده و کسی هم به جلدش فتوا نداده است و لو اینکه حاکم تعزیر می‌کند.

فقهاء من جمله صاحب جواهر همین مقدار را گفته اند که رجم از او منتفی می‌شود. اما دیگر متعرض نشده اند که آیا جلد هم در این جا ثابت است یا نه؟ این که بخواهیم بگوییم چون رجم در این جا منتفی شده است پس جلد ثابت می‌شود، نیاز به موونه دارد و نمی‌شود بدان قائل شد ولو اینکه مفاد روایت دور از ذهن است اما ما باید به آن ملتزم شده و تعبد کنیم، همانند مفاد مسأله دیه^۴ که در ذهن ابان بعید بود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۳۵۲).

بنابراین اطلاق صحیحه ابی بصیر مبنی بر نفی رجم از مرأه محصنه، هیچ گونه دلایلی بر اثبات جلد برای او ندارد چرا که جلد، حد مستقلی است که برای غیر محصنه قرار داده شده است و اثبات آن برای مرأه محصنه نیازمند دلیل مستقل است؛ ولی بعضی از فقهاء به روایت ابی بصیر عمل نکردند، اما عرض ما این است که چون احکام توقیفی هستند تبعاً لجماعاً باید به این روایت عمل کنیم.

^۴ مفاد مسأله دیه: دیه ی زن و مرد تا ثلث مساوی، در صورت تجاوز از ثلث، دیه ی زن نصف مرد می‌شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

اما روایت موثقه ابی مریم دلالت دارد بر اینکه بر زن محصنه، حد جلد اقامه می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص ۳۶۲)؛ در نتیجه روایت ابی مریم طبق قاعده است.

بعضی‌ها گفته‌اند که لفظ «حد» در باب نصوص زنا به معنای «جلد» است؛ در نتیجه در اینجا خصوص «جلد» مقصود است. بر فرض اینکه ما این ادعا را نپذیریم و این حد نیز اطلاق داشته باشد، این روایت بوسیله صحیحه ابی بصیر در خصوص مرأه محصنه تقیید زده می‌شود.

خبر علی بن جعفر هم به جلد مرأه تصریح کرده و نسبت به محصنه و غیرمحصنه اطلاق دارد؛ در نتیجه این دو روایت موثقه ابی مریم و خبر علی بن جعفر با صحیحه ابی بصیر موافق می‌شود زیرا در محصنه رجم منتفی شده تبعاً جلد برای مرأه حتی محصنه، باقی می‌ماند، و اطلاق مقامی برای منتفی بودن جلد منعقد نمی‌شود زیرا در مقام، اطلاق لفظی در ثبوت جلد وجود دارد که شامل محصنه و غیرمحصنه می‌شود و این قرینه بر ثبوت جلد است و مانع می‌شود که از ذیل صحیحه ابی بصیر به وسیله اطلاق مقامی بخواهد جلد را نفی کند زیرا اطلاق مقامی فرع بر عدم قرینه لفظیه است لذا اطلاق لفظی مقدم است و بین این نصوص تلائم می‌شود به این نحو که به مشهور نسبت داده شده است اگر صغیر با مرأه محصنه زنا کند رجم منتفی است اما جلد منتفی نیست.

بنابراین این فتوی، متفق و اجماعی نیست حتی صاحب جواهر به مشهور هم نسبت نداده است زیرا یک صحیحه می‌تواند آیه قرآن را تخصیص بزند و این روایت صحیحه تصریح به «لا ترجم» دارد، علاوه بر اینکه اطلاق موثقه ابی مریم و خبر علی بن جعفر وجود دارد، هر چند که سندشان ضعیف است اما اطلاق صحیحه ابی بصیر را تخصیص می‌زند. قاعده تخصیص نسبت به عمومات رجم جاری می‌شود مخصوصاً موثقه ابی مریم که در خصوص فرض ما، اطلاق و عموم دارد و هم مقتضای جمع بین نصوص است و هم جماعتی به آن فتوا داده‌اند، اینطور نیست که از آن اعراض شده باشد، اگر اعراض می‌شد موهن بود و با اعراض کل قابلیت عمل نداشت، اما چون جماعتی فتوا داده‌اند این صحیحه قابل عمل می‌باشد.

گاهی هم با اولیت استدلال کرده‌اند و گفته‌اند: اگر بچه‌ای بیاید با زن محصنه زنا کند، در اینجا گفته‌اند که محصنه رجم نمی‌شود (لا ترجم)، عکس مسئله‌ی ماست

پس اگر زن بالغه است، اما زانی بچه است، گفته‌اند: «لا ترجم»، در اینجا دلیل داریم که اگر آمدم فاعل ناقص است، اما مفعول کامل است، در آنجا رجم نیست.

۴. آثار احسان زوجه در باب زنا از منظر فقه امامیه

۴-۱ اثر مجازات زنا زوجه محصنه

بر اساس منابع فقهی، «احسان» باعث تشدید در مجازات زنا می‌شود و مجازات «زنا محصنه» سنگسار است (موسوی اردبیلی، ۱۴۳۷ق، ص ۱۹۸).

۴-۲ اثر خروج از احسان زوجه

برخی معتقدند اگر زوج مرتد فطری گردد، از احسان خارج می‌گردد (خمینی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۱۷۷).

بعضی از علمای دین معتقدند که مواردی مانند حیض، نفاس، مسافرت، حبس، بیماری و دیگر موارد ممکن است باعث مانع شدن از احسان فرد شود. (خمینی، ۱۳۸۳ش، ج ۲، ص ۱۷۷). همچنین، در صورت طلاق بائن، فوراً از احسان خارج می‌شوند،



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

اما در مورد طلاق رجعی، نظرات مختلفی وجود دارد. (موسوی اردبیلی، ۴۳۷ق، ص ۲۳۴)؛ برخی معتقدند که در صورت مرتد شدن مرد، زوجه از احسان خارج می‌شود.

در نتیجه هر گاه زنی آزاد از احسان خارج شود و متأسفانه مرتکب زنا شود، مجازات آن حد جلد می‌باشد.

۳-۴ اثر شرایط احسان زوجه

رجم یک کیفر شدید است، از این رو اسلام شرایط آن را زیاد کرده است تا اقل مراتب و اقل مصداق پیدا کند، حتی اگر زنی محصنه است و باید رجم بشود، او را در یک گودال تا کمر دفن می‌کنند، اما اگر او توانست خودش را از آن محل بیرون بکشد و فرار کند، دیگر حد از او ساقط می‌شود؛ تمام اینها برای این است که از نظر ثبوت به اقل مراتب برسد؛ بنابراین کسانی که مشمول رجم هستند، ابتداء نمی‌شود آنان را رجم کرد، بلکه باید دارای شرایطی باشند و اسلام این شرط را زیاد کرده تا به این آسانی حد ثابت نشود، مگر اینکه میان و روشن گردد.

الف: اثر شرط زوجیت دائمی در احسان زوجه در باب زنا از منظر فقه امامیه

اثر شرط زوجیت دائمی عبارت است از اینکه با صرف ازدواج موقت، زنا، جماع از روی شبهه و عقد دائمی که کشف شود باطل بوده است، احسان تحقق پیدا نمی‌کند، در نتیجه زانی که احسان بر آنها صدق نمی‌کند، اگر زنا کنند، حد زنا دارند که جلد می‌باشد (همان، ص ۴۸۹).

بنابراین اگر زنی زوج موقت دارد، این کافی در احسان نیست، در نتیجه با وجود ازدواج موقت اگر برود زنا کند، هر چند جلد دارد، ولی رجم ندارد چون در ازدواج موقت، از نیازهای خودش مستغنی نمی‌شود بلکه گاهی ازدواج موقت با دائم فرقی نمی‌کند و نیازهای زوجه را مستغنی می‌کند، در نتیجه ازدواج موقت موجب احسان می‌شود مانند متعه ای باشد که دائماً در منزل او باشد، احسان به آن محقق می‌شود.

در نتیجه صرف متعه کافی در احسان نیست، فلذا با وجود صرف متعه اگر برود زنا کند، هر چند جلد دارد، ولی رجم ندارد چون در صرف ازدواج موقت نیازهای زوجه را مستغنی نمی‌کند، فلذا بر او احسان صدق نمی‌کند.

ب: اثر شرط امکان تمتع در احسان زوجه در باب زنا از منظر فقه امامیه

اثر شرط امکان تمتع در احسان زوجه در باب زنا عبارت است از اینکه اگر زن، همسر دائمی داشته باشد، اما به دلیل مسافرت، زندانی بودن، بیماری، یا هر مانع موجه دیگری نتواند با همسر خود نزدیکی کند، احسان محقق نمی‌شود. (سبحانی، ۱۴۳۲ق، ص ۳۱؛ خمینی، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۴۵۸).

ج: وطی قبل از زنا

اثر شرط وطی قبل از زنا عبارت است از اینکه زوجه که قبل از زنا وطی نشده باشد، مجازاتش حد جلد می‌باشد.

د: تمکن زوجه از وطی هرگاه زوج اراده کند

اثر شرط تمکن عبارت است از اینکه هر گاه زوج به گونه‌ای باشد که دسترسی به آن نداشته باشد، یعنی ممکن است غائب نباشد و در عین حال دسترسی هم برایش ممکن نباشد مثل اینکه عروسی نکرده و هنوز دختر در خانه پدرش به سر می‌برد و رسم هم نیست که در خانه پدر آن کارها انجام بگیرد، مجازت زوجه در صورت ارتکاب زنا، حد جلد می‌باشد.

و: حریت

اثر شرط حریت عبارت است از اینکه امه شوهر دار چنانچه مرتکب زنا بشود، حد زنا محصنه بر او جاری نمی‌شود؛ بنابراین زمانی کسی را محصنه می‌گویند که این شخص در حین زنا آزاد باشد تا احسان در مورد آن تحقق پیدا نکند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۲۷۸۶ ISSN

بنابراین اگر کنیزی ازدواج کرد و بعد از ازدواج متاسفانه زنا کرد، حکمش رجم و سنگسار نیست، در نتیجه کنیز حکم زنان حرائر و شوهردار را ندارند بلکه حد مجرد بر او جاری می‌شود، منتهی حد مجرد صد تازیانه است، پس حد کنیز نصف حد مجرد می‌شود که پنجاه تازیانه می‌شود.

و این یکی از مظاهر انعطاف اسلام است، یعنی از آنجا که عبد و أمه همیشه تحت بار و شدت و اوامر مولا هستند، اسلام برای آنان تخفیفی قائل شده است فلذا حتی اگر گناه بزرگی را هم انجام بدهند، همان حد گناه صغیر را دارند و آنهم خمسین جلد است، همیشه غلام حدش نصف حد حر است و در اینجا علاوه بر اینکه رجم ندارد، نصف حد حر بر او جاری می‌شود و ما در این زمینه روایت هم داریم.

۴-۴ اثر ارتداد در احسان زوجه

اگر فردی که محسن است مرتد فطری شود، همسر او دیگر محسنه نخواهد بود، زیرا با وقوع ارتداد فطری، همسرش بلافاصله از او جدا می‌شود زیرا توبه مرتد فطری قبول نمی‌شود و در حکم میت می‌باشد در نتیجه همسرش باید جدا بشود و اموالش تقسیم می‌شود؛ اما اگر مرتد ملی باشد، زوجه باید عده نگه دارد، در نتیجه اگر در طول عده مرتکب زنا بشود، مجازات رجم دارد.

در این زمان به دلیل بی‌مبالاتی بعضی از همدیگر جدا نمی‌شوند اما چون شرعا جدا شده حساب می‌شود، این زوجه محسنه حساب نمی‌شود و حکم رجم را ندارد و مجازاتش حد جلد می‌باشد.

اما مرتد ملی که امکان قبول توبه می‌باشد و می‌تواند در عده برگردد و توبه بکند، در نتیجه در ارتداد باید عده نگه دارد و اگر مرتد ملی توبه کرد، زوجیت مستقر می‌شود و اگر توبه نکرد، حکم طلاق را دارد، در نتیجه بعد از عده وفات از احسان خارج می‌شود.

بنابراین اگر زنی مرتد ملی یا فطری بشود، این زن به محض مرتد شدن باید عده طلاق نگه دارد سپس جدایی اتفاق می‌افتد اما اگر توبه کرد در مدت عده و برگشت به دین اسلام بر می‌گردد به حالت اول اما اگر عده تمام بشود و توبه نکند، جدا می‌شود؛ در صورتی که این زن در این مدت زنا بکند محسنه حساب می‌شود.

در مورد زن مرتد فطری حکم این است که کشته نمی‌شود و امکان توبه دادند لذا امکان رجوع و توبه وجود دارد لذا اگر زنا بکند زنا محسنه محسوب می‌شود.

۴-۵ اثر طلاق در احسان زوجه

یکی از مواردی که زن و مرد با وجود قطع شدن رابطه زناشویی همچنان محسن محسوب می‌شوند، طلاق رجعی است؛ در نتیجه مطلقه رجعی، در حکم زوجه است و اگر با مرد اجنبی عمل زنا را مرتکب شد، مرتکب زنا محسنه شده است؛ البته باید یک نکته را در بحث احسان در نظر گرفت که رجم در جایی است که زوج غایب نباشد و در دسترس باشد.

زن در طلاق خلع با بذلی که به شوهر می‌کند از وی طلاق می‌گیرد. یعنی درخواست از طرف زوجه است و بعد از بذل و طلاق، صدق طلاق خلع می‌کند؛ در طلاق خلع رجوع ابتداء برای مرد نیست ولی اگر زن از بخشش خود برگردد مرد هم می‌تواند رجوع کند، در نتیجه زن حق رجوع در بذل دارد که سبب می‌شود مرد حق رجوع در زوجیت پیدا کرده به اصل اولی برگردد و زن زوجه‌اش حساب شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

مرحوم محقق می فرماید: با طلاق خلع بینونت محقق شد و دیگر زوجیت وجود ندارد؛ اگر زن رجوع کرد به بذل مرد می تواند رجوع کند، حال که این توان را پیدا کرد، این مسئله مطرح می شود که اگر رجوع کند و مباشرت کند احسان مجددا محقق می شود یا اینکه تا رجوع و مباشرت نکرده احسان محقق نیست و در نتیجه اگر در این فاصله زنا کرد، زناى غیر محصن است. این بحث مورد اختلاف قرار می گیرد؛ حال این زنی که به بذل خود مراجعه کرده مطلقه رجعیه است چون مرد بخاطر رجوع زن می تواند رجوع کند و یا طلاق بائن است بخاطر اینکه مرد ابتداء حق رجوع ندارد و رجوع فعلی متوقف بر بذل بوده است؟ مشهور فقها و نیز خود مرحوم محقق فرموده اند که مطلقه رجعیه حساب نمی شود لذا زوجه جدید حساب شده و با رجوع و مباشرت، احسان محقق می شود.

اگر طلاقش خلع بود و زن در بذلش بر گشت و مرد از طلاقش بر گشت، در صورت ارتکاب زنا، طبق قول برخی از فقهاء محصنه است چون آن وطی قبلی کافی می باشد و زوجیت جدید نیست بلکه همان زوجیت سابق است؛ بله اگر طلاق بدهد و عده اش هم تمام بشود و بعد ازدواج کند، ممکن است بگوئیم وطی شرط است، اما در اینجا این گونه نیست، بلکه فقط موانع را برداشت، همان زوجیت سابق بر گشت.

مشهور فقهاء می گویند در فرض طلاق خلع، حق رجوع مثل حق رجوع طلاق رجعی نیست بلکه ازدواج جدید می باشد، در نتیجه احسان زوجه با دخول محقق می شود.

اگر طلاق بصورت بائن باشد، زوجه از احسان خارج می شود چون شوهر از او جدا شده؛ در نتیجه اگر با مرد دیگر زنا کرد، این محصنه نیست چون شوهر ندارد.

اگر طلاق بائن باشد اما عده نداشته باشد مثل دختر صغیره که عقد کرده اما طلاقش می دهد یا اینکه یائسه که دخول یا عدم دخول فرقی نمی کند یا اینکه در عقد باشد و دخول نکرده، در اینگونه موارد شوهر محصن نمی باشد و زن هم محصنه نمی باشد.

۴-۶ اثر زنا شیخه محصنه

اگر زانی و زانیه پیر باشند، ابتدا شلاق می خورند و سپس رجم می شوند؛ شاید به این دلیل که پیرمرد و پیرزن از لذت های زندگی و شهوت بهره برده اند و در نتیجه، در صورت ارتکاب زنا، مجازات آن ها شدیدتر است. برخی فقها نیز معتقدند که اگر زانی و زانیه جوان باشند، مجازات آن ها ترکیبی از شلاق و رجم است. این تفاوت ممکن است به دلیل این باشد که جوان زناکار محصن فقط رجم می شود، در حالی که پیر زناکار محصن علاوه بر رجم، شلاق نیز می خورد.

۴-۷ اثر زنا زوجه محصنه با صبی

اگر یک انسان نابالغی با زن محصنه ای زنا کند و لو خلاف است و جرم است و عمل منافی عفت است، لکن نمی توان گفت درجه گناه و عقابی که مفعول بالغ و عاقل در زنا با فاعل مجنون و نابالغ انجام داده مثل گناه و عقابی است که مفعول بالغ و عاقل در زنا با یک انسان بالغ و عاقل انجام داده است؛ این ها یکسان نیستند و در مجازات و عقاب متفاوت هستند همچنان که عبادت یک بچه نابالغ با وقتی بالغ می شود و تا وقتی معرفت او بالا می رود یکسان نیست؛ عبادت یک عالم عابد در بچگی با بزرگسالی یکسان نیست؛ در نتیجه اگر صبی با زن بالغ محصن زنا می کرد، زن رجم نمی شود (نجفی، بی تا، ج ۴۱، ص ۳۷۸) بلکه مجازاتش حد جلد است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

اگر یک مجنون با زن محصنه‌ایی زنا کند و لو جرم است و عمل منافی عفت است، لکن نمی‌توان گفت درجه گناه و عقابی که مفعول عاقل در زنا با فاعل مجنون انجام داده مثل گناه و عقابی است که مفعول عاقل در زنا با یک انسان عاقل انجام داده است؛ در نتیجه این‌ها یکسان نیستند و در مجازات و عقاب متفاوت هستند؛ بنابراین زن رجم نمی‌شود بلکه مجازاتش تازیانه است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۵-۱ نتیجه‌گیری

احسان یکی از مفاهیم کلیدی در فقه امامیه است که تأثیر قابل توجهی بر حکم زنا دارد. با بررسی ادله و آثار احسان زوجه در باب زنا، روشن می‌شود که احسان به معنای داشتن همسر دائم و امکان برقراری رابطه جنسی مشروع با اوست. این مفهوم تأثیر مستقیم بر شدت مجازات زنا دارد، به طوری که زانی یا زانیه محصن در مقایسه با غیر محصن با مجازات سنگین‌تری مواجه می‌شوند. از جمله آثار احسان، تفکیک بین مجازات پیر و جوان است که با توجه به لذت‌بردن پیرمرد و پیرزن از زندگی و شهوت، مجازات آن‌ها شدیدتر از جوانان در نظر گرفته شده است.

۵-۲ پیشنهادات

۱. تدوین قوانین مدون: پیشنهاد می‌شود قوانین مرتبط با احسان و مجازات زنا در قالب کتب حقوقی و فقهی مدون گردیده و به صورت دقیق‌تر و شفاف‌تر بیان شود تا تفسیر و اجرای آن در نظام قضایی ساده‌تر گردد.
 ۲. برگزاری دوره‌های آموزشی: برای قضات و حقوق‌دانان دوره‌های آموزشی تخصصی درباره احسان و احکام مرتبط با آن برگزار شود تا از تفسیرهای نادرست و اعمال غیرمنصفانه جلوگیری شود.
 ۳. بازنگری در مجازات‌ها: با توجه به تغییرات اجتماعی و فرهنگی، بازنگری در شدت و نوع مجازات‌ها با توجه به مبانی فقه امامیه ضروری است تا با شرایط کنونی جامعه هماهنگ شود.
 ۴. تحقیق و پژوهش: تشویق به تحقیق و پژوهش بیشتر در زمینه احسان و مجازات‌های مرتبط با زنا از منظر فقه امامیه به منظور تطبیق با شرایط روز و ارائه راه‌حل‌های عملی و منصفانه.
 ۵. توسعه مباحث حقوق بشر: بررسی و تطبیق احکام فقهی با مباحث حقوق بشر بین‌المللی به منظور ارتقاء جایگاه حقوقی و انسانی احکام و تطبیق آن‌ها با استانداردهای جهانی.
- این پیشنهادات می‌تواند به بهبود نظام حقوقی و قضایی در زمینه احکام مرتبط با احسان و زنا کمک کند و زمینه‌ساز اجرای عدالت بهتر در جامعه شود.

منابع

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، مقاییس اللغة (چاپ اول)، ج ۲، قم: مکتب الإعلام الإسلامی.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۰ش)، ترمینولوژی حقوق (چاپ یازدهم)، تهران: گنج دانش.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة (چاپ اول)، ج ۱۸ و ۲۸ و ۲۹، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمین فی احکام الدین، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. سازمان چاپ و انتشارات.

حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ق)، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، ج ۵، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۷۷۸۶-۲۹۸۰ ISSN

- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، قم: اسماعیلیان.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲ش)، تحریر الوسیله، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمینی (قدس سره).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۳ش)، ترجمه تحریر الوسیله، ترجمه اسلامی، علی و قاضی زاده، محمد، ج ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج (القضاء و الحدود)، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا (چاپ دوم)، ج ۶، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۳۲ق)، الحدود و التعزیرات فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (۱۰ جلدی)، ج ۹، قم: مکتبه الداوری.
- علی پاشا صالح، تاریخ حقوق: دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۸ش.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰ق)، المقنعة (چاپ دوم)، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم. مؤسسه النشر الإسلامی.
- موسوی اردبیلی، عبد الکریم (۱۴۳۷ق)، فقه الحدود و التعزیرات، ج ۱، قم: جامعه المفید. مؤسسه النشر.
- هاشمی شاهرودی (۱۴۲۳ق)، موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (چاپ اول)، ج ۷ و ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام).
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام، ج ۲۶ و ۴۱، بیروت: دار احیاء التراث العربی.